عروض و قافیه

عنوان مقاله:نگاهى گذرا به اصطلاح عروض و قافیه

نویسنده:کورش صفوى

مأخذ:زبان و ادب، س دوم، ش هفتم و هشتم، (بهار و تابستان 78)، ص 47 تا 60

بررسى و طبقه‏بندى اوزان نظم فارسى در کنار قافیه و ردیف از هیچ منطق روش شناختى منسجمى پیروى نمى‏کند.طرح قافیه به مثابه صنعتى مستقل و متمایز از سجع متوازى و مطرف، نادیده انگاشتن همانندى آن است:قافیه چیزى جز این دو صنعت نیست؛بنابراین ذکر یکى در کتاب عروف و قافیه و طرح آن دو دیگر در کتاب بدیع به لحاظ روش شناختى نادرست است.

طرح ردیف نیز در کنار عروض و قافیه بدون اشاره به صناعاتى مانند:تشابه الاطراف، رد الصدر على العجز، رد العجز على الصدر در کتاب بدیع و نیز بى‏توجهى به انواع دیگر همین صنعت و نوعى طبقه‏بندى نارسا و ناهمگن به دست مى‏دهد.

بنابراین مى‏توان به امکان طرح دو دانش، «بدیع نظم»و«بدیع شعر»اندیشید.

بدیع نظم مى‏تواند در سه گروه توازنهاى آوایى، واژگانى و نحوى دسته‏بندى شود.

مطالعه وزن به عنوان نوعى تناسب آوایى کمّى، در محدوده توازنهاى آوایى بدیع‏ نظم امکان طبقه‏بندى خواهد یافت.قافیه و ردیف نیز در کنار مجموعه دیگرى از توازنهاى واژگانى، در محدوده توازنهاى واژگانى بدیع نظم طبقه‏بندى خواهند شد و این امکان فراهم خواهد آمد که تمامى صناعات مؤثر در آفرینش نظم، در یک نظام بررسى شود